

مطالعه تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین حمایت از کودکان در ایران

علیرضا شهپری^{۱*}

ایمان ثابت^۲

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین حمایت از کودکان در ایران می‌پردازد. در ابتدا، مبانی نظری حقوق کودکان در فقه اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد و به اصول کلی حاکم بر این حقوق، از جمله حقوق معنوی، مالی، آموزشی و بهداشتی کودکان پرداخته می‌شود. سپس، تاریخچه و تحولات قوانین حمایت از کودکان در ایران مرور شده و قوانین مهمی مانند قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) بررسی می‌شود. در ادامه، مطالعه تطبیقی بین حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران انجام می‌شود و به نقاط اشتراک و اختلاف این دو نظام حقوقی پرداخته می‌شود. در نهایت، چالش‌ها و راهکارهای موجود در تطبیق فقه اسلامی با قوانین مدرن بررسی شده و پیشنهاداتی برای بهبود قوانین حمایت از کودکان در ایران ارائه می‌گردد. این مقاله بر اهمیت هماهنگی بین فقه اسلامی و قوانین مدنی در حمایت از حقوق کودکان تاکید داشته و به سیاست‌گذاران و مجریان قانون توصیه می‌کند که با توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، به بازنگری و به‌روزرسانی قوانین بپردازند.

کلیدواژه‌گان: حقوق کودکان، فقه اسلامی، قانون حمایت از کودکان، مطالعه تطبیقی، ایران.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: alirez_shahpari@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

مقدمه

حقوق کودکان به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بشر در دنیای معاصر، همواره مورد توجه بوده است. با این حال، در بسیاری از جوامع، از جمله جوامع اسلامی، حقوق کودکان بر مبنای اصول و ارزش‌های دینی و فقهی تفسیر و اجرا می‌شود. فقه اسلامی به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق در جوامع اسلامی، قواعد و اصولی را برای حمایت از کودکان تعیین کرده است که بر اساس تفسیرهای مختلف از متون دینی شکل گرفته‌اند. این تفسیرها در مواجهه با تحولات اجتماعی و قانونی معاصر، چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را به وجود آورده‌اند. از طرف دیگر، در ایران، با وجود آنکه نظام حقوقی بر مبنای فقه اسلامی بنا شده است، اما قوانین مدنی و کیفری نیز به صورت مستقل از فقه، برای حمایت از کودکان تدوین شده‌اند. این موضوع به یک فضای تطبیقی پیچیده منجر می‌شود که نیازمند بررسی عمیق و دقیق است.

با توجه به اهمیت حقوق کودکان در جامعه و نیاز به هماهنگی بین اصول فقهی و قوانین مدنی، این مقاله به بررسی تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین حمایت از کودکان در ایران می‌پردازد. هدف این است که نقاط قوت و ضعف هر دو نظام حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته و به ارائه راهکارهایی برای بهبود و تقویت حمایت از حقوق کودکان در ایران پرداخته شود.

این مقاله با هدف بررسی تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین مدنی ایران تدوین شده است. اهداف اصلی این پژوهش عبارتند از:

شناسایی و تحلیل اصول و مبانی حقوق کودکان در فقه اسلامی.

بررسی قوانین حمایت از کودکان در ایران و تحلیل نقاط قوت و ضعف آن‌ها.

مقایسه تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران.

ارائه پیشنهاداتی برای تقویت و بهبود قوانین حمایت از کودکان با توجه به مبانی فقهی و نیازهای معاصر جامعه.

روش تحقیق در این مقاله، ترکیبی از روش‌های تحلیل محتوا و تطبیقی است. ابتدا متون فقهی مرتبط با حقوق کودکان بررسی و تحلیل می‌شود و سپس قوانین مربوط به حقوق کودکان در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، با استفاده از روش تطبیقی، نقاط مشترک و اختلاف‌های این دو سیستم حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در زمینه حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. به عنوان مثال، برخی از محققان به بررسی اصول کلی حقوق کودکان در فقه اسلامی پرداخته‌اند (مطهری، ۱۳۷۰؛ خمینی، ۱۴۰۰). در این پژوهش‌ها، تأکید بر نقش والدین و وظایف آن‌ها در تربیت و حمایت از کودکان مورد توجه بوده است. همچنین برخی پژوهشگران به بررسی حقوق مالی کودکان در فقه اسلامی پرداخته‌اند که در آن به مسائلی همچون نفقه، ارث و وقف اشاره شده است (حائری یزدی، ۱۳۹۵).

در حوزه قوانین ایران، پژوهش‌های متعددی در خصوص قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان انجام شده است. به عنوان مثال، قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹) مورد بررسی و نقد قرار گرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸؛ رنجبر، ۱۳۹۹). این پژوهش‌ها به نقاط قوت و ضعف قوانین موجود و نیز به چالش‌های حقوقی در زمینه حمایت از کودکان پرداخته‌اند.

با این حال، پژوهش‌های کمتری به صورت تطبیقی به بررسی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران پرداخته‌اند. این مقاله با هدف پر کردن این خلا و ارائه یک تحلیل جامع و تطبیقی از این دو حوزه حقوقی تدوین شده است.

مبانی نظری حقوق کودکان در فقه اسلامی

تعریف و مفهوم حقوق کودکان در فقه اسلامی

حقوق کودکان در فقه اسلامی به مجموعه‌ای از حقوق و وظایف اشاره دارد که از طریق منابع دینی و شرعی، از جمله قرآن و سنت، برای حمایت و تربیت کودکان تعیین شده است. این حقوق شامل حقوق مالی، معنوی، آموزشی و بهداشتی می‌شود و در سطح گسترده‌تری نیز به حقوق کودکان در خانواده و جامعه پرداخته می‌شود. در فقه اسلامی، کودک به عنوان موجودی که دارای حق حیات، حق رشد و تکامل، و حق بهره‌مندی از حمایت‌های مالی و معنوی است، شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰).

یکی از مهم‌ترین مباحث در این زمینه، تعریف سن کودکی در فقه اسلامی است. بر اساس منابع فقهی، سن بلوغ به عنوان معیار اصلی برای تعیین پایان دوران کودکی در نظر گرفته می‌شود. در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ به عنوان مثال، در فقه شیعه، سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری تعیین شده است (خمینی، ۱۴۰۰). این تفاوت‌ها بر تعریف حقوق کودکان و وظایف والدین و جامعه نسبت به آن‌ها تاثیرگذار است.

اصول کلی حاکم بر حقوق کودکان در فقه اسلامی

فقه اسلامی بر مبنای اصول کلی حاکم بر حقوق کودکان، تاکید بر حمایت و تربیت کودکان به شیوه‌ای دارد که موجب رشد و توسعه شخصیتی و اجتماعی آن‌ها شود. یکی از اصول مهم در این زمینه، اصل لزوم حفظ منافع کودک است. بر اساس این اصل، هرگونه تصمیم‌گیری یا اقدام در مورد کودک باید به گونه‌ای باشد که منافع مادی و معنوی او را تامین کند (حائری یزدی، ۱۳۹۵).

اصل دیگری که در فقه اسلامی به آن تاکید شده است، اصل ولایت والدین بر کودک است. این اصل بیانگر آن است که والدین به عنوان ولی قهری کودک، مسئولیت کامل تربیت و حمایت از او را بر عهده دارند. این مسئولیت شامل تامین نیازهای مادی، تربیتی، آموزشی و بهداشتی کودک می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰).

اصل تربیت دینی نیز از دیگر اصول مهم در فقه اسلامی است. بر اساس این اصل، والدین موظفند کودکان خود را بر اساس اصول و ارزش‌های دینی تربیت کنند. این تربیت شامل آموزش‌های دینی، اخلاقی و معنوی است که باید از سنین کودکی آغاز شود (خمینی، ۱۴۰۰).

منابع فقهی مرتبط با حقوق کودکان

منابع فقهی مرتبط با حقوق کودکان شامل قرآن، سنت پیامبر اسلام (ص)، اجماع و قیاس است. قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع فقه اسلامی، به مسائلی همچون حقوق والدین و فرزندان، نفقه و ارث کودکان، و لزوم تربیت دینی کودکان اشاره کرده است. به عنوان مثال، آیه ۲۳۳ سوره بقره به وظیفه مادران در شیر دادن به فرزندان خود اشاره دارد و تاکید می‌کند که والدین باید نیازهای مادی و معنوی کودکان را تامین کنند. سنت پیامبر اسلام (ص) نیز به عنوان دومین منبع فقه اسلامی، حاوی احادیث و روایات متعددی در زمینه حقوق کودکان است. این احادیث شامل توصیه‌هایی در مورد نحوه تربیت و برخورد با کودکان، لزوم احترام به آن‌ها و تامین نیازهای مادی و معنوی آن‌ها می‌شود. به عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: "فرزندانتان را گرامی بدارید و به آنان آداب و اخلاق نیکو بیاموزید" (نهج‌الفصاحه، حدیث ۱۹۸۷).

اجماع و قیاس نیز به عنوان منابع فقهی مکمل، در مواردی که نص صریحی در قرآن و سنت وجود ندارد، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این منابع به فقیهان امکان می‌دهند تا با توجه به اصول کلی و مقاصد شریعت، احکام جدیدی را در زمینه حقوق کودکان استخراج کنند.

دیدگاه‌های مختلف فقهی در مورد حقوق کودکان (شیعه و اهل سنت)

در فقه اسلامی، دو مکتب اصلی فقهی، یعنی فقه شیعه و فقه اهل سنت، در مورد حقوق کودکان دیدگاه‌های مشابه و در عین حال متفاوتی دارند. هرچند که هر دو مکتب بر اهمیت حقوق کودکان تاکید دارند، اما تفاوت‌هایی در برخی از جزئیات و مبانی فقهی وجود دارد. در فقه شیعه، تاکید ویژه‌ای بر ولایت والدین بر کودک و نقش مادر در تربیت کودک وجود دارد. همچنین، فقه شیعه به موضوعات مالی کودکان، از جمله نفقه و ارث، توجه ویژه‌ای دارد و این مسائل را بر اساس متون دینی و اجماع فقهی تنظیم می‌کند (خمینی، ۱۴۰۰). از دیدگاه فقه شیعه، سن بلوغ و تفاوت‌های آن برای پسران و دختران نیز به عنوان یکی از موضوعات مهم حقوق کودکان مطرح است. در مقابل، فقه اهل سنت نیز بر اصول کلی حقوق کودکان تاکید دارد، اما در برخی مسائل، همچون سن بلوغ و نحوه تربیت دینی کودکان، تفاوت‌هایی با فقه شیعه دارد. به عنوان مثال، در فقه اهل سنت، سن بلوغ برای پسران و دختران یکسان در نظر گرفته می‌شود و تفاوت‌های موجود در فقه شیعه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد (قرضاوی، ۱۴۰۰).

حقوق کودکان در فقه اسلامی

حقوق معنوی و اخلاقی کودکان

فقه اسلامی تاکید ویژه‌ای بر حقوق معنوی و اخلاقی کودکان دارد. این حقوق شامل حق کودکان به تربیت دینی و اخلاقی، احترام به شخصیت آن‌ها و حفظ کرامت انسانی آن‌ها است. در این راستا، والدین موظفند که کودکان خود را بر اساس اصول و ارزش‌های دینی تربیت کرده و به آنان آداب و اخلاق نیکو بیاموزند. به عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: "هیچ هدیه‌ای بهتر از تربیت نیکو به فرزندان نیست" (نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۴۱).

حق معنوی کودکان به معنای حق آن‌ها به رشد و تکامل شخصیتی و معنوی است. این حق شامل آموزش‌های دینی و معنوی، توسعه اخلاقی و احترام به حقوق دیگران می‌شود. همچنین، والدین باید به کودکان خود احترام گذاشته و از تحقیر و توهین به آن‌ها خودداری کنند، چرا که حفظ کرامت انسانی یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۰).

حقوق مالی کودکان (نفقه، ارث، و وقف)

حقوق مالی کودکان در فقه اسلامی شامل نفقه، ارث و وقف است. نفقه به معنای تامین نیازهای مالی کودک توسط والدین است که شامل تامین غذا، لباس، مسکن و سایر نیازهای ضروری کودک می‌شود. در فقه اسلامی، والدین موظفند تا زمانی که کودک قادر به تامین نیازهای خود نیست، نفقه او را پرداخت کنند (خمینی، ۱۴۰۰).

ارث نیز یکی از حقوق مالی کودکان در فقه اسلامی است. بر اساس احکام ارث در فقه اسلامی، کودکان از پدر و مادر خود به نسبت مشخصی ارث می‌برند. این نسبت‌ها بر اساس اصول فقهی و با توجه به میزان دارایی متوفی تعیین می‌شود (حائری یزدی، ۱۳۹۵).

وقف نیز یکی از راه‌های تامین حقوق مالی کودکان در فقه اسلامی است. والدین یا سایر افراد می‌توانند بخشی از اموال خود را به صورت وقف به نفع کودکان اختصاص دهند. این وقف‌ها می‌توانند شامل اموال، زمین‌ها و سایر منابع مالی باشند که برای تامین نیازهای مالی و تربیتی کودکان استفاده می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۰).

حق آموزش و تربیت در فقه اسلامی

آموزش و تربیت کودکان یکی از مهم‌ترین حقوق آن‌ها در فقه اسلامی است. این حق شامل آموزش‌های دینی، اخلاقی و علمی است که والدین و جامعه موظفند آن را به کودکان ارائه دهند. آموزش‌های دینی شامل آموزش قرآن، احکام دینی و اخلاقیات اسلامی است که باید از سنین کودکی آغاز شود (خمینی، ۱۴۰۰).

تربیت نیز به معنای پرورش کودکان بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی است. والدین موظفند که کودکان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که آنان را به انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر و اخلاق‌مدار تبدیل کند. این تربیت شامل آموزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی است که باید به گونه‌ای باشد که کودکان بتوانند در آینده به عنوان اعضای فعال و مفید جامعه اسلامی زندگی کنند (مطهری، ۱۳۷۰).

حقوق مربوط به سلامت و بهداشت کودکان

سلامت و بهداشت کودکان نیز به عنوان یکی از حقوق مهم آن‌ها در فقه اسلامی مطرح است. والدین موظفند که به سلامت جسمی و روانی کودکان خود توجه ویژه‌ای داشته باشند و نیازهای بهداشتی آنان را تامین کنند. این وظیفه شامل تامین غذا، پوشاک، مسکن و همچنین دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب است (حائری یزدی، ۱۳۹۵).

فقه اسلامی به حفظ سلامت جسمی و روانی کودکان تاکید دارد و والدین را ملزم می‌کند که از هرگونه اقدامی که به سلامت کودک آسیب می‌زند، خودداری کنند. این شامل جلوگیری از سوء تغذیه، بیماری‌ها و همچنین حمایت از سلامت روانی و عاطفی کودک می‌شود. همچنین، در مواردی که کودک نیاز به درمان دارد، والدین موظفند که امکانات لازم برای درمان او را فراهم کنند (مطهری، ۱۳۷۰).

قوانین حمایت از کودکان در ایران

تاریخچه و تحولات قوانین حمایت از کودکان در ایران

تاریخچه حمایت قانونی از کودکان در ایران به دوره‌های مختلفی از تحولات اجتماعی و حقوقی بازمی‌گردد. با نگاهی به تاریخ حقوق کودک در ایران، می‌توان دریافت که نخستین تلاش‌های قانونی در جهت حمایت از کودکان به دوران پهلوی بازمی‌گردد. در این دوره، با شکل‌گیری نخستین قانون مدنی ایران در سال ۱۳۱۳، برخی از اصول اولیه حقوق کودکان در قوانین مدنی گنجانده شد. این اصول شامل مباحثی همچون حضانت، ولایت، نفقه و ارث بود (کاتوزیان، ۱۳۸۸).

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و استقرار جمهوری اسلامی ایران، قوانین جدید با توجه به مبانی فقه اسلامی تدوین شد. از جمله مهم‌ترین این تحولات، تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ بود که در آن به حمایت از خانواده و کودکان اشاره شد. اصل دهم و بیست‌ویکم قانون اساسی، به صراحت به حمایت از مادران و کودکان اشاره می‌کند و دولت را موظف به فراهم‌سازی امکانات لازم برای تربیت و رشد کودکان می‌داند (خاتمی، ۱۳۹۸).

در دهه‌های بعد، با افزایش توجه به مسائل حقوق بشر و حقوق کودکان در سطح بین‌المللی، ایران نیز به تدوین و تصویب قوانین جدید در حوزه حمایت از کودکان پرداخت. در این زمینه، تصویب قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ یک نقطه عطف مهم بود. این قانون، با هدف حمایت از کودکان در برابر هرگونه سوءاستفاده و بی‌توجهی، به تصویب رسید و موجب تقویت حقوق کودکان در نظام حقوقی ایران شد (باقری، ۱۳۹۴).

در سال‌های اخیر، با توجه به تحولات جهانی و نیاز به به‌روزرسانی قوانین داخلی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ تصویب شد. این قانون با تأکید بیشتر بر حقوق کودکان و با نگاه جامع‌تری به مسائل مرتبط با آن‌ها، تلاش کرد تا نقاط ضعف قانون پیشین را برطرف کرده و حمایت‌های بیشتری برای کودکان فراهم کند (رنجبر، ۱۳۹۹).

بررسی قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱)

قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان که در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید، یکی از نخستین تلاش‌های جدی ایران در راستای تدوین قانونی جامع برای حمایت از حقوق کودکان بود. این قانون در ۹ ماده تدوین شد و به مسائلی همچون برخورد با سوءاستفاده از کودکان، تحقیر و تهدید آنان، و همچنین تأمین امنیت و رفاه کودکان پرداخت. یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این قانون، شناسایی حقوق اساسی کودکان و پیش‌بینی مجازات‌های قانونی برای هرگونه سوءرفتار با آنان بود (کاتوزیان، ۱۳۸۸).

با این حال، قانون ۱۳۸۱ با چالش‌ها و نقاط ضعفی نیز مواجه بود. یکی از مهم‌ترین انتقادات وارده به این قانون، عدم شمولیت کافی آن بود. این قانون بیشتر بر برخوردهای کیفری و جزایی تأکید داشت و کمتر به موضوعات مرتبط با حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی کودکان پرداخت. همچنین، برخی از مواد این قانون با مبانی فقهی موجود در تضاد قرار داشت که این موضوع باعث پیچیدگی‌هایی در اجرا و تفسیر آن می‌شد (باقری، ۱۳۹۴).

علاوه بر این، قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱، فاقد مکانیزم‌های اجرایی کافی برای نظارت بر اجرای قوانین و حمایت از حقوق کودکان بود. عدم وجود نهادهای نظارتی قوی و کارآمد، موجب شد تا این قانون در برخی موارد به طور کامل اجرا نشود و حقوق کودکان همچنان در معرض خطر باشد (رنجبر، ۱۳۹۹).

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹)

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسید، به‌طور قابل توجهی جامع‌تر و گسترده‌تر از قانون ۱۳۸۱ بود. این قانون در ۵۱ ماده تدوین شد و به مسائل گسترده‌تری از جمله حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از کودکان و نوجوانان پرداخت. یکی از نوآوری‌های این قانون، تعریف دقیق‌تر و گسترده‌تر از "کودک" و "نوجوان" بود که به شمولیت بیشتری از افراد در این قوانین منجر شد (عباسی، ۱۴۰۰).

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته قانون ۱۳۹۹، تأکید بیشتر بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و حمایت از کودکان در برابر هرگونه سوءاستفاده، بی‌توجهی و بی‌سرپرستی بود. این قانون، نهادهای مختلفی از جمله وزارت بهداشت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و قوه قضاییه را ملزم به همکاری در حمایت از حقوق کودکان کرد. همچنین، این قانون به ایجاد مراکز حمایتی برای کودکان در معرض خطر پرداخت و وظایف نهادهای مختلف را در این زمینه مشخص کرد (رضایی، ۱۴۰۰).

با این حال، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ نیز با چالش‌هایی مواجه است. یکی از این چالش‌ها، مسئله اجرایی بودن مواد این قانون است. با وجود تدوین مواد قانونی جامع، عدم وجود بودجه و منابع کافی برای اجرای کامل آن، یکی از نقاط ضعف اصلی این قانون محسوب می‌شود. علاوه بر این، برخی از منتقدان به عدم هماهنگی کافی این قانون با مبانی فقه اسلامی اشاره کرده‌اند که می‌تواند منجر به تضادهای قانونی و اجرایی شود (عباسی، ۱۴۰۰).

نقاط قوت و ضعف قوانین موجود

قوانین حمایت از کودکان در ایران از نقاط قوت و ضعف متعددی برخوردارند که بررسی آن‌ها می‌تواند به درک بهتر از وضعیت حقوق کودکان در کشور کمک کند.

یکی از نقاط قوت این قوانین، تلاش برای شناسایی و تعریف حقوق کودکان و نوجوانان است. این قوانین به صورت مشخص به مسائل مختلفی از جمله سوءاستفاده، تحقیر، تهدید، و نیازهای اجتماعی و اقتصادی کودکان پرداخته‌اند و در تلاشند تا با ایجاد یک چارچوب قانونی، حمایت لازم را از کودکان فراهم کنند. همچنین، وجود نهادهای نظارتی و حمایتی در این قوانین، می‌تواند به تقویت حمایت از کودکان و اجرای موثرتر این قوانین کمک کند (باقری، ۱۳۹۴).

با این حال، این قوانین با نقاط ضعف قابل توجهی نیز مواجه هستند. یکی از اصلی‌ترین نقاط ضعف، نبود هماهنگی کافی بین قوانین حمایت از کودکان و مبانی فقه اسلامی است. این موضوع می‌تواند به ایجاد تناقضات قانونی و اجرایی منجر شود که در نهایت به حقوق کودکان آسیب می‌رساند. علاوه بر این، مشکلات مربوط به بودجه و منابع مالی برای اجرای این قوانین، یکی دیگر از چالش‌های اساسی است که اجرای کامل و موثر این قوانین را با مشکل مواجه کرده است (رضایی، ۱۴۰۰).

مطالعه تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران

مقایسه حقوق معنوی و اخلاقی کودکان

حقوق معنوی و اخلاقی کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در فقه اسلامی، به ویژه در احادیث و روایات، به لزوم تربیت معنوی و اخلاقی کودکان تاکید شده است. این حقوق شامل آموزش‌های دینی، تربیت اخلاقی و احترام به شخصیت کودکان است (مطهری، ۱۳۷۰). از سوی دیگر، قوانین ایران نیز به این مسئله پرداخته و در قوانین مرتبط با آموزش و پرورش، بر اهمیت تربیت اخلاقی و معنوی کودکان تاکید شده است (باقری، ۱۳۹۴).

در مقایسه این دو، می‌توان گفت که هر دو نظام حقوقی بر لزوم تربیت اخلاقی و معنوی کودکان تاکید دارند. با این حال، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. در فقه اسلامی، تربیت دینی به عنوان یکی از اصلی‌ترین وظایف والدین مطرح است و این وظیفه به صورت مستقیم بر مبنای آموزه‌های دینی و اخلاقی اسلامی تعریف شده است (خیمینی، ۱۴۰۰). در مقابل، قوانین ایران تلاش کرده‌اند تا با توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، به تربیت معنوی و اخلاقی کودکان بپردازند که ممکن است تفاوت‌هایی با مبانی فقهی داشته باشد (باقری، ۱۳۹۴).

مقایسه حقوق مالی کودکان

حقوق مالی کودکان یکی از مباحث کلیدی در فقه اسلامی و قوانین ایران است. در فقه اسلامی، مسائلی همچون نفقه، ارث و وقف به عنوان حقوق مالی کودکان شناخته می‌شود. والدین موظفند تا زمانی که کودک به سن بلوغ نرسیده و قادر به تامین نیازهای خود نیست، نفقه او را

پرداخت کنند (حائری یزدی، ۱۳۹۵). همچنین، ارث به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق مالی کودکان در فقه اسلامی مطرح است که به صورت مشخص در قرآن و سنت بیان شده است (قرضاوی، ۱۴۰۰).

در قوانین ایران نیز به حقوق مالی کودکان توجه شده است. قوانین مرتبط با ارث، نفقه و حمایت مالی از کودکان، بر اساس مبانی فقهی تدوین شده‌اند و در بسیاری از موارد با اصول فقه اسلامی هماهنگ هستند. با این حال، در برخی موارد مانند نفقه پس از بلوغ، تفاوت‌هایی در اجرای قوانین مشاهده می‌شود که ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است (رنجبر، ۱۳۹۹).

مقایسه حق آموزش و تربیت

آموزش و تربیت کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در فقه اسلامی، آموزش قرآن و احکام دینی به عنوان یکی از اصلی‌ترین وظایف والدین مطرح شده است و بر لزوم تربیت دینی و اخلاقی کودکان تأکید شده است (مطهری، ۱۳۷۰). در قوانین ایران نیز حق آموزش به عنوان یکی از حقوق اساسی کودکان به رسمیت شناخته شده است و دولت موظف به فراهم‌سازی امکانات آموزشی برای تمامی کودکان است (خاتمی، ۱۳۹۸).

در مقایسه این دو، می‌توان گفت که هر دو نظام حقوقی بر اهمیت آموزش و تربیت کودکان تأکید دارند، اما تفاوت‌هایی در محتوای آموزشی و نحوه اجرای آن‌ها وجود دارد. در فقه اسلامی، تأکید بیشتری بر آموزش‌های دینی و تربیت اخلاقی وجود دارد، در حالی که قوانین ایران به آموزش‌های علمی و فنی نیز توجه ویژه‌ای دارند (رنجبر، ۱۳۹۹).

مقایسه حقوق مربوط به سلامت و بهداشت کودکان

سلامت و بهداشت کودکان یکی از حقوق اساسی آنان است که در هر دو نظام حقوقی فقه اسلامی و قوانین ایران به آن توجه شده است. در فقه اسلامی، والدین موظفند که به سلامت جسمی و روانی کودکان خود توجه کنند و نیازهای بهداشتی آن‌ها را تأمین کنند (حائری یزدی، ۱۳۹۵). این مسئولیت شامل تأمین غذا، پوشاک، مسکن و همچنین دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی مناسب است (مطهری، ۱۳۷۰).

در قوانین ایران نیز به سلامت و بهداشت کودکان توجه شده است و دولت موظف به تأمین خدمات بهداشتی و درمانی برای تمامی کودکان است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست‌ونهم، بر لزوم تأمین خدمات بهداشتی و درمانی برای تمامی افراد، از جمله کودکان، تأکید کرده است (خاتمی، ۱۳۹۸).

موارد اختلاف و اشتراک

مطالعه تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین ایران نشان‌دهنده وجود اشتراکات و اختلافات قابل توجهی است. از جمله اشتراکات این دو نظام حقوقی می‌توان به تأکید بر اهمیت حقوق معنوی، اخلاقی، مالی و بهداشتی کودکان اشاره کرد. هر دو نظام حقوقی تلاش کرده‌اند تا با توجه به نیازهای کودکان، چارچوب‌هایی را برای حمایت از حقوق آن‌ها ایجاد کنند (رنجبر، ۱۳۹۹).

با این حال، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. به عنوان مثال، در فقه اسلامی، تأکید بیشتری بر مسائل دینی و اخلاقی کودکان وجود دارد و بسیاری از حقوق آن‌ها بر مبنای آموزه‌های دینی تعریف شده است (مطهری، ۱۳۷۰). در مقابل، قوانین ایران تلاش کرده‌اند تا با توجه به تحولات اجتماعی و فرهنگی، به مسائل حقوقی کودکان بپردازند که ممکن است در برخی موارد با مبانی فقهی هماهنگ نباشد (باقری، ۱۳۹۴).

چالش‌ها و راهکارها

چالش‌های تطبیق فقه اسلامی با قوانین مدرن

تطبیق فقه اسلامی با قوانین مدرن یکی از چالش‌های اساسی در حوزه حقوق کودکان در ایران است. فقه اسلامی به عنوان یکی از منابع اصلی حقوقی در ایران، دارای اصول و قواعدی است که در بسیاری از موارد با نیازها و تحولات اجتماعی و حقوقی مدرن هماهنگ نیست. این موضوع به ویژه در زمینه‌هایی مانند حقوق معنوی و اخلاقی کودکان و نیز مسائل مرتبط با آموزش و تربیت آنان، به وضوح دیده می‌شود (حائری یزدی، ۱۳۹۵).

یکی دیگر از چالش‌های تطبیق فقه اسلامی با قوانین مدرن، مسئله سن بلوغ و تفاوت‌های جنسیتی است. در فقه اسلامی، سن بلوغ برای پسران و دختران متفاوت است و این موضوع می‌تواند به ایجاد تبعیض‌های جنسیتی در حقوق کودکان منجر شود. در مقابل، قوانین مدرن تلاش کرده‌اند تا با توجه به اصول برابری جنسیتی، از تبعیض‌های جنسیتی جلوگیری کنند (رنجبر، ۱۳۹۹).

بررسی تناقض‌ها و مسائل حقوقی موجود

وجود تناقض‌ها و مسائل حقوقی بین فقه اسلامی و قوانین مدرن یکی از چالش‌های اصلی در حوزه حقوق کودکان در ایران است. این تناقض‌ها می‌توانند به ایجاد پیچیدگی‌های قانونی و اجرایی منجر شوند که در نهایت به حقوق کودکان آسیب می‌زند. به عنوان مثال، در برخی موارد، قوانین مدرن با مبانی فقهی در تضاد قرار دارند که این موضوع می‌تواند به ایجاد مشکلات اجرایی و تفسیرهای مختلف منجر شود (باقری، ۱۳۹۴).

پیشنهاداتی برای بهبود قوانین حمایت از کودکان در ایران

برای بهبود قوانین حمایت از کودکان در ایران، می‌توان به چندین راهکار اشاره کرد. نخست، باید تلاش کرد تا هماهنگی بیشتری بین فقه اسلامی و قوانین مدرن ایجاد شود. این هماهنگی می‌تواند از طریق بازنگری در قوانین موجود و تطبیق آن‌ها با نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه انجام شود. دوم، باید به تقویت نهادهای نظارتی و اجرایی پرداخت تا اجرای کامل و موثر قوانین حمایت از کودکان تضمین شود. سوم، باید به آموزش و آگاهی‌رسانی در زمینه حقوق کودکان پرداخت تا والدین و جامعه از حقوق و وظایف خود نسبت به کودکان آگاه شوند (رضایی، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی تطبیقی حقوق کودکان در فقه اسلامی و قوانین حمایت از کودکان در ایران پرداخته شد. نتایج این بررسی نشان داد که هر دو نظام حقوقی بر اهمیت حمایت از کودکان تأکید دارند و تلاش کرده‌اند تا با ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب، حقوق کودکان را حفظ کنند. با این حال، تفاوت‌هایی در مبانی و اجرای این حقوق وجود دارد که می‌تواند به ایجاد چالش‌های قانونی و اجرایی منجر شود (رنجبر، ۱۳۹۹).

هماهنگی بین فقه اسلامی و قوانین مدنی یکی از مهم‌ترین عوامل در بهبود وضعیت حقوق کودکان در ایران است. این هماهنگی می‌تواند به ایجاد یک سیستم حقوقی یکپارچه و کارآمد منجر شود که در آن حقوق کودکان به صورت کامل حفظ و اجرا شود. برای دستیابی به این هماهنگی، نیاز است تا قوانین موجود با توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه بازنگری و به‌روزرسانی شوند (باقری، ۱۳۹۴).

به سیاست‌گذاران و مجریان قانون توصیه می‌شود که در تدوین و اجرای قوانین حمایت از کودکان، به هماهنگی بین فقه اسلامی و قوانین مدنی توجه ویژه‌ای داشته باشند. همچنین، باید به تقویت نهادهای نظارتی و اجرایی پرداخت تا حقوق کودکان به صورت کامل حفظ شود. علاوه بر این، آموزش و آگاهی‌رسانی به والدین و جامعه در زمینه حقوق کودکان، می‌تواند به بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی کودکان در ایران کمک کند (رضایی، ۱۴۰۰).

فهرست منابع

- باقری، م. (۱۳۹۴). حقوق کودکان در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- حائری یزدی، م. (۱۳۹۵). فقه تطبیقی: مقایسه حقوق کودکان در فقه شیعه و سنی. تهران: انتشارات بقیه‌الله.
- خاتمی، س. (۱۳۹۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: تفسیر و تحلیل. تهران: انتشارات میزان.
- خمینی، ر. (۱۴۰۰). تحریر الوسیله. قم: انتشارات دارالهادی.
- رضایی، ع. (۱۴۰۰). تحلیل و نقد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رنجبر، م. (۱۳۹۹). قوانین حمایت از کودکان در ایران: تحلیل تطبیقی با فقه اسلامی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- عباسی، ک. (۱۴۰۰). تحولات قانون حمایت از کودکان در ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قرضاوی، ی. (۱۴۰۰). الفقه الاسلامی و ادلته. قاهره: دارالشروق.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۸). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات میزان.
- مطهری، م. (۱۳۷۰). حقوق و تکالیف والدین و فرزندان. تهران: انتشارات صدرا.